خارج اصول10

یکشنبه 7/ 7/ 97

\*اقسام واجب\*

بحث در تفویت مصلحت بود. عرض شد این بحث دو مقام دارد: تعلّم و غیر تعلّم؛ تعلّم سه صورت دارد. دو صورت آن گفته شد.[[1]](#footnote-1)

صورت سوّم: اگر قبل از وقت تعلّم نکند، نمی تواند واجب را در وقتش امتثال کند نه تفصیلاً و نه اجمالاً. زیرا نه علم تفصیلی دارد و نه علم اجمالی. و بعبارة أخری در مقام اسقاط تکلیف نه علم تفصیلی به اسقاط می تواند حاصل کند و نه علم اجمالی؛ بلکه نسبت به تکلیف، موافقت و مخالفت احتمالی انجام می گیرد. مثلاً به هر دلیل یا نماز قصر می تواند بخواند یا تمام؛ یا نماز ظهر می تواند بخواند یا جمعه؛ هردو را نمی تواند انجام دهد. اینصورت بر دو قسم است: ترک تعلّم عمدی و غیر عمدی.

قسم اوّل(ترک عمدی): جایز نیست و تعلّم واجب است بخاطر قاعده ی «وجوب دفع ضرر محتمل». لذا مکلّف باید قبل از زمان واجب، احکام را یاد بگیرد تا ضرر نکند زیرا ترک تعلّم محتمل الضّرر است و ضرر نیز ضرر أخروی است.

صورت اوّل و دوّم از تعلّم که جلسه ی قبل گفته شد، مقدّمه ی مفوّته نبود زیرا در اوّلی، امتثال تفصیلی و در دوّمی، امتثال اجمالی ممکن بود؛ ولی صورت سوّم، مقدّمه ی مفوّته است؛ زیرا امتثال ممکن نیست بلکه فقط موافقت احتمالی ممکن است که همراه با مخالفت احتمالی است.

قسم دوّم(ترک غیر عمدی): در اینصورت تکلیف مردّد است بین دو فعل مثلاً ظهر و جمعه؛ و نمی تواند هر دو را انجام دهد. و قدرت اتیان واقع را نیز ندارد زیرا تعلّم نکرده و مقدّمه را قبل از وقت اتیان نکرده است، و همچنین بعد از وقت امکان تعلّم ندارد؛ در اینجا دو اتّفاق می افتد: اوّلاً مقدّمه ی مفوّته محقّق می شود و ثانیاً امکان اتیان واجب واقعی برای او وجود ندارد. و مأمورِ به حکم واقعی نیست چون قادر بر آن نیست. این را برخی تنجّز متوسّط(تنجّز برزخی) نامیده اند؛ یعنی تکلیف نسبت به واقع منجّز است اما بصورت موافقت احتمالی؛ اتیان یکی از اطراف مثلاً قصر یا اتمام بر او واجب است. «ما لایُدرَک کلُّه لایُترَک کلُّه».

اما مهمّ در صور تعلّم، صورت چهارم است؛ سیأتی.

(پایان)

1. . صورت اوّل: تعلّم احکام برخی واجبات بعد از فعلیّت آنها، ممکن است؛ مانند احکام حج که بعد از وجوب و رفتن به مکه، در همانجا احکام مناسک را از روحانی کاروان یاد می گیرد و انجام می دهد یا اجتهادا یک یک اعمال را اجتهاد کرده، انجام می دهد.

   در اینصورت قبل از زمان واجب، تعلّم واجب نیست. صورت دوّم: تعلّمِ قبل از وقت، در تشخیص و تعیین واجب، در زمان اتیان مؤثر است و بدون تعلّم، اتیان بصورت تفصیلی ممکن نیست و باید بصورت اجمالی اتیان کند؛ مانند احکام قصر و اتمام که اگر در جایی نداند که نماز را باید کامل بخواند یا شکسته، باید به هر دو صورت بخواند؛ و مانند ظهر و جمعه که باید هردو را بخواند. در اینصورت قبل از زمان واجب، تعلّم واجب نیست؛ زیرا مبنای ما آن است که در اکثر موارد شکّ در مکلّف به، امتثال اجمالی کافی است در بحث اصول عملیه و در بحث اسقاط تکلیف، ما این نظریه را انتخاب کردیم که هر تکلیفی را جایز است تفصیلی اتیان کنیم یا اجمالی و اینطور نیست که اولاً اتیان تفصیلی واجب باشد و اگر نشد، اجمالی؛ بلکه از ابتدا اتیان اجمالی جایز است؛ زیرا امتثال اجمالی در عرض امتثال تفصیلی است نه در طول آن؛ [↑](#footnote-ref-1)